

پژوهشهای حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44730.html

تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور

دکتر سیدقاسم زمانی*

مقدمه

در میان کشورهای منطقه خاورمیانه، نام لبنان همواره یادآور اشغال و درگیری‌های خونینی بوده که به ویژه جنوب آن کشور را به کانون توجهات منطقه‌ای و جهانی مبدل ساخته است. متعاقب ورود آوارگان فلسطینی به لبنان در دهه ۱۹۷۰، نیروهای سوری در سال ۱۹۷۶، و نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۷۸ وارد لبنان شدند. بعدها کشورهای دیگر نیز نیروی نظامی به لبنان گسیل داشتند، و بدین نحو لبنان به صحنه درگیری‌های نظامی ویرانگر مبدل شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد که بر طبق منشور مسئولیت اصلی حفظ و اعاده صلح و امنیت جهانی را عهده‌دار گردیده (ماده ۲۴ منشور) و در قالب فصل هفتم (مواد ۳۹ الی ۵۱ منشور) از اختیارات گسترده‌ای جهت پیشگیری، احراز، و مقابله با تهدید و نقض صلح و اقدامات تجاوز کارانه برخوردار گشته، بارها وضعیت موجود در لبنان را از رهگذر قطعنامه‌های خود مورد توجه قرار داده است. شورای امنیت از سال ۱۹۷۸ تاکنون، ۷۶ قطعنامه در مورد لبنان صادر کرده است با وجود این قطعنامه شماره ۱۵۵۹ شورای امنیت که در تاریخ دوم سپتامبر ۲۰۰۴ (۱۲ شهریور ۱۳۸۳) به تصویب رسید ضمن درخواست عقب‌نشینی کلیه نیروهای نظامی خارجی از لبنان، اضمحلال و خلع سلاح تمام گروه‌های نظامی لبنانی و غیرلبنانی، و حمایت از برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه ریاست جمهوری در این کشور را نیز خواستار شده است که این مسائل به لحاظ حقوقی قابل تأمل و

* معاون پژوهشی مؤسسه شهردانش، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

بررسی است.

۱. درخواست از تمام نیروهای نظامی بیگانه برای خروج از لبنان

اصولاً نیروهای نظامی خارجی با توافق کشور دیگر به قلمرو آن وارد می‌شوند و استقرار این نیروها و حدود اختیارات آنها در موافقتنامه بین‌المللی منعقد شده میان کشورهای ذی‌ربط مقرر می‌شود.^۱ تردیدی نیست که اصل توافق مشترک دولت‌ها، خود تعیین‌کننده چارچوبی است که بر اساس آن نیروهای خارجی در هر کشور حضور یافته، به فعالیت مبادرت ورزیده و یا از آن خارج می‌شوند. این امر حتی در مورد ورود و استقرار نیروهای بین‌المللی مثل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد نیز مصداق دارد.^۲

بنابراین تا زمان و در محدوده‌ای که این رضایت مشترک وجود دارد،^۳ تمامت ارضی و استقلال سیاسی کشورهای ذی‌ربط کاملاً محترم شمرده شده^۴ و حضور و استقرار نیروهای نظامی خارجی در کشور دیگر با حقوق بین‌الملل مغایرت نخواهد داشت.^۵ از سوی دیگر اصولاً درخواست خروج نیروهای خارجی یا بین‌المللی با کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط و به ویژه دولتی است که نیروها در خاک

^۱ S.T. Bernardez, "Territorial Sovereignty", *EPIL*, Vol. 10, 1987, p. 493.

^۲ البته باید توجه داشت که ورود و استقرار نیروهای نظامی خارجی و یا بین‌المللی در قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد موضوعاً فارغ از رضایت دولت یا دولت‌های ذی‌ربط صورت می‌پذیرد.

^۳ بنابراین استفاده یک دولت از نیروهای مسلح، مغایر با شرایط مورد توافق با دولتی دیگر که در سرزمین آن مستقر شده‌اند یا ادامه حضور آن نیروها در این سرزمین پس از پایان مدت مورد توافق اقدامی تجاوزکارانه بشمار می‌رود (ماده ۳ «بند ث» قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد تعریف تجاوز مصوب ۱۹۷۴).

^۴ تمامت ارضی و استقلال سیاسی دو وجه اساسی حاکمیت دولت هستند. تمامت ارضی به عناصر مادی دولت، یعنی منابع فیزیکی و جمعیت‌شناختی اشاره دارد که در داخل سرزمین آن قرار دارد و در چارچوب مرزهای کشور محصورگشته است. مفهوم استقلال سیاسی، عناصر معنوی حاکمیت و اقتدار دولت یعنی آزادی تصمیم‌گیری سیاسی و راهبری ارگان‌های دولت در امور داخلی و بین‌المللی آن را پوشش می‌دهد. نک:

Christos L. Rozakis, "Territorial Integrity and Political Independence", *EPIL*, Vol. 10, 1987, p. 481.

^۵ مگر آنکه دولت مزبور از قبل با عقد موافقتنامه‌ای بین‌المللی، به عدم پذیرش نیروهای نظامی خارجی در قلمرو خود ملتزم شده باشد یا اینکه با آگاهی آن دولت، از سرزمین آن جهت تجاوز نظامی به کشور دیگر یا ارتکاب سایر اعمال خلاف حقوق بین‌الملل استفاده شود.

آن استقرار یافته‌اند و عدم اجابت درخواست دولت متوقف‌فیه می‌تواند خود به منزله تجاوزی نظامی به آن کشور محسوب گردد. بنابراین دولت اخیر در تقاضای خروج نیروهای خارجی از سرزمین خویش دارای صلاحیت شخصی است و اصل لزوم احترام به حاکمیت و استقلال ایجاب می‌کند که دیگران از دخالت در این مورد پرهیز نمایند.

با وجود این، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۵۵۹ پس از تأکید بر لزوم احترام به حاکمیت، تمامت ارضی، وحدت و یکپارچگی، و استقلال سیاسی دولت لبنان و با ابراز نگرانی شدید از ادامه حضور نظامیان مسلح در آن کشور، در بند ۲ قسمت اجرائی قطعنامه صراحتاً از تمام نیروهای خارجی می‌خواهد که از لبنان خارج شوند. به زعم شورا تداوم حضور نیروهای نظامی خارجی در آن کشور مانع اعمال حاکمیت کامل لبنان بر سرزمین خود شده است (بند ۲ قسمت مقدماتی قطعنامه ۱۵۵۹). البته شورای امنیت ابتدا در بند سوم قسمت مقدماتی (و نه اجرائی) قطعنامه از لبنان درخواست می‌نماید که خروج تمام نیروهای غیرلبنانی از کشور خود را تضمین نماید^۶ و سپس در قسمت اجرائی نیروهای خارجی را رأساً مورد خطاب قرار می‌دهد. تفاوت این خواسته شورای امنیت از دولت لبنان و نیروهای خارجی به این واقعیت باز می‌گردد که به دولت لبنان صرفاً در قسمت مقدماتی قطعنامه که از ارزش حقوقی کمتری برخوردار است تضمین خروج نیروهای غیرلبنانی گوشزد شده است، در حالی که از کلیه نیروهای خارجی در قسمت اجرائی قطعنامه درخواست خروج از لبنان شده است. شورای امنیت بدون اشاره به نام کشورهایی که دارای نیروی نظامی در لبنان هستند با تصریح به «نیروهای خارجی باقیمانده در لبنان» به صورت تلویحی بر این نکته تأکید نموده است که با خروج نیروهای اسرائیلی از لبنان (تا ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰) دلیلی قانونی برای ادامه حضور دیگر نیروهای خارجی در این کشور نمی‌بیند.^۷

^۶ واژه نیروهای غیرلبنانی (Non-Lebanese Forces) بدین منظور مورد استفاده قرار گرفته تا درخواست از دولت لبنان نه صرفاً به نیروهای نظامی کشورهای دیگر، بلکه به نیروهای نظامی فلسطینی نیز معطوف شود.

^۷ خروج نیروهای اسرائیلی از لبنان که طبق قطعنامه شماره ۴۲۵ شورای امنیت (مصوب ۱۹ مارس ۱۹۷۸) صورت پذیرفت در ۱۶ ژوئن سال ۲۰۰۰ تکمیل گردید (مقدمه قطعنامه شماره ۱۵۵۳ شورای امنیت مورخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴).

معلوم نیست که در این بین حاکمیت دولت لبنان را چه می‌شود. همان‌طور که اشاره شد درخواست خروج نیروهای نظامی خارجی از کشور، در زمره اختیارات حاکمه دولت ذی‌ربط می‌باشد در حالی که دولت لبنان هیچ‌گاه به صورت رسمی و صریح از نیروهای نظامی خارجی (جز نیروهای اسرائیلی)^۸ درخواست خروج از کشور خود را مطرح نکرده و در این مورد از شورای امنیت نیز استمداد نکرده است.^۹ حتی پس از امضای موافقتنامه طائف در سال ۱۹۸۹ که لبنان صرفاً خواستار عقب‌نشینی نیروهای سوری به شرق دره بقاع شد مقام‌های لبنانی و سوری بارها تأکید کردند که ادامه حضور ارتش سوریه در این کشور برای حفظ ثبات منطقه ضروری است.^{۱۰} به واقع علت اصلی این امر را جدای از پیوندهای سیاسی و تاریخی میان لبنان و سوریه، باید در ناتوانی نیروهای آن کشور در حفظ نظم و امنیت داخلی و مقابله با توسعه‌طلبی اسرائیل دانست. بر همین اساس لبنان و سوریه قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت را مداخله‌ای بارز در امور داخلی خود و روابط میان دو کشور قلمداد کردند.^{۱۱}

به نظر می‌رسد شورای امنیت در مقابل تمدید مأموریت نیروی موقتی ملل

^۸ طبق گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد که در تاریخ اول اکتبر ۲۰۰۴ در مورد اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ تسلیم شورای امنیت شد در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴ تنها نیروهای خارجی در لبنان، نیروهای سوری بودند. نک:

Report of the Secretary-General pursuant to Security Council Resolution 1559 (2004), 1 October 2004, S/2004/777, para. 12.

^۹ تناقض در رویه شورای امنیت بسیار حیرت‌آور است. در حالی شورای امنیت در این مورد رأساً درخواست خروج نیروهای خارجی از لبنان را کرده است که آن نیروها با توافق آن دولت وارد آن کشور شده و در آنجا حضور دارند ولی در برخی موارد شورا حتی نسبت به اشغال غیرقانونی ناشی از تجاوز نظامی به کشور دیگر کمترین واکنش را نشان نداده است. برای مثال با تجاوز عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای عراقی در همان روزهای اول جنگ موفق شدند در مجموع منطقه‌ای بیش از سی هزار کیلومتر مربع از اراضی ایران را اشغال کنند. با وجود این شورای امنیت در قطعنامه ۴۷۹ که شش روز پس از شروع جنگ و اشغال بخش‌هایی وسیع از این کشور صادر نمود از دو کشور ایران و عراق خواست تا فوراً از هرگونه کاربرد بیشتر زور خودداری کنند. به واقع شورا با عدم درخواست از عراق برای عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، عملاً بر اشغال غیرقانونی سرزمین‌های ایران توسط این کشور مهر تأیید زد.

^{۱۰} S/2004/777., paras. 4, 8 & 13.

^{۱۱} Syria's information Minister and the recent UN Security council resolution 1559, Available at <http://www.arabnews.com/ansub/Daily/Day/040906/2004090602.html>

متحد در لبنان (UNIFIL)^{۱۲} تا ژانویه ۲۰۰۵ (بند ۲ قطعنامه ۱۵۵۳ مورخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴)،^{۱۳} با نادیده گرفتن اصل لزوم جلب توافق یا رضایت دولت لبنان، درخواست مستقیم و خودسرانه خروج نیروهای خارجی از لبنان را انتظاری مشروع، و آن را جهت ایفای مناسب و مؤثر وظائف نیروی موقتی ملل متحد ضروری قلمداد کرده است. ارتباط فوق را می‌توان در همان بند ۴ قطعنامه ۱۵۵۳ مشاهده کرد که ضمن موافقت با تمدید مأموریت نیرو، دولت لبنان را تشویق نمود که به تلاش‌های خود جهت اعاده اقتدار مؤثر خویش در سراسر جنوب این کشور از جمله با به کارگیری نیروی نظامی لبنان ادامه دهد و حداکثر تلاش خود را برای تأمین فضایی آرام در سراسر جنوب این کشور مبذول دارد.

با وجود این دولت‌های سوریه و لبنان در حالی که به ظاهر قطعنامه ۱۵۵۹ را مورد انتقاد قرار دادند و موضعی سرسختانه در مقابل آن اتخاذ کردند^{۱۴} ولی در عمل از آن تأسی جستند. توضیح آنکه در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۳)، پس از ۲۸ سال نیروهای نظامی سوریه عقب‌نشینی خود را از لبنان آغاز نمودند؛ در این روز سه هزار نیروی نظامی سوری در اولین گام از خروج واحدهای این کشور از لبنان، مواضع خود را تخلیه کردند. گرچه مقام‌های بیروت - دمشق اعلام کردند که این عقب‌نشینی در چارچوب موافقتنامه طائف و به علت برقراری ثبات سیاسی و امنیتی در لبنان صورت می‌پذیرد،^{۱۵} اما زمان و نحوه خروج نیروهای سوری خود گویای تأثیر عملی قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت می‌باشد.

۲. خلع سلاح تمام گروه‌های نظامی لبنانی و غیرلبنانی

در نظام بین‌المللی هر دولت مکلف است با اعمال حاکمیت مؤثر بر قلمرو خویش،

^{۱۲} United Nations Interim Force in Lebanon.

^{۱۳} خروج نیروهای اسرائیلی از لبنان که در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰ تکمیل گردید زمینه لازم برای پایان دوران مأموریت نیروی موقتی ملل متحد در لبنان را فراهم نیاورد و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در این منطقه همچنان مورد توجه شورای امنیت قرار داشت.

^{۱۴} نک: نامه‌های دولت‌های لبنان (A/58/879 - S/2004/699) و سوریه (A/58/879 - S/2004/706) به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد قطعنامه ۱۵۵۹.

^{۱۵} روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۷/۱، شماره ۲۹۱۹، ص ۵. البته آقای «عماد مصطفی» سفیر سوریه در واشنگتن اعلام کرد که خروج ارتش این کشور از لبنان به منظور همکاری با امریکا است. روزنامه شرق، ۱۳۸۳/۷/۱، شماره ۲۹۶، ص ۸.

مانع از آن شود که سرزمینش به پایگاهی برای تعرض به حقوق و منافع قانونی کشورهای دیگر مبدل شود. بدیهی است که عدم اعمال حاکمیت مؤثر در این زمینه علاوه بر آنکه می‌تواند مبنائی برای مسؤولیت بین‌المللی آن کشور فراهم آورد^{۱۶} امکان سوءاستفاده کشورهای دیگر در قالب توسل به اقدامات پیشگیرانه یا تلافی‌جویانه را نیز به دست می‌دهد. در قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت از لبنان درخواست شده است که تمام گروه‌های نظامی^{۱۷} لبنانی و غیرلبنانی را منحل نموده و خلع سلاح نماید (بند ۳ قسمت اجرائی قطعنامه). شورای امنیت با تعقیب روندی نسبتاً منطقی ابتدا در بند ۴ قطعنامه ۱۵۵۳ که در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴ به اتفاق آراء به تصویب رسید دولت لبنان را تشویق کرد که به تلاش جهت اعاده اقتدار مؤثر خود در جنوب کشور ادامه دهد و از آن خواست که حداکثر تلاش خود را برای تضمین فضایی امن و آرام در جنوب این کشور به عمل آورد. در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۰، رئیس شورای امنیت از دولت لبنان درخواست نمود که اعاده اقتدار و حضور مؤثر خود در جنوب این کشور را تضمین نماید. وی خاطرنشان ساخت که ملل متحد نمی‌تواند به ایفای وظائفی چون وضع و اجرای قانون و حفظ نظم بپردازد که اصولاً در زمره مسؤولیت‌های دولت لبنان قلمداد می‌شود.^{۱۸}

بدیهی است که این قطعنامه با گام نهادن در این وادی و درخواست اجرای کامل و فوری، خواسته‌ای را مطرح می‌سازد که دولت لبنان قادر به اجابت آن در آینده‌ای قابل پیش‌بینی نخواهد بود و احتمالاً بارها به قصور در اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ متهم خواهد شد.

۳. حمایت از برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه ریاست جمهوری

دولت‌ها ملزم‌اند که امور داخلی خود را به گونه‌ای سامان دهند که اقتدار حکومت بر اراده مردم مبتنی باشد، اراده‌ای که در انتخابات ادواری آزاد و منصفانه بیان شده

^{۱۶} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه کورفو با توجه به امارات و قرائن موجود، علم و آگاهی دولت آلبانی از وجود مین در آبهای سرزمینی وی را احراز نمود و آن دولت را مسؤول خسارات وارد به ناوچه‌های انگلیسی و خدمه آن قلمداد کرد. *I.C.J. Reports*, 1949, pp. 18, 22.

^{۱۷} واژه گروه‌های نظامی (Militias) همان واژه‌ای است که امریکایی‌ها برای نیروهای نظامی مقاومت در داخل عراق استفاده می‌کنند.

است. حقوق بین‌الملل اهدافی مشخص را در مورد برگزاری انتخابات ادواری آزاد و منصفانه معین کرده و تعهداتی متعدّد را وضع می‌نماید. حقوق بین‌الملل اصولاً دولت‌ها را آزاد می‌گذارد تا در چارچوب سیاسی، فرهنگی و تاریخی خاص خود تصمیم بگیرند که چگونه آن اهداف را به بهترین نحو ممکن محقق سازند. با وجود این، در این عرصه دولت‌ها از آزادی کامل برخوردار نیستند و حتی در موردی که صلاح‌دیدنی وسیع به آنها واگذار شده، حقوق بین‌الملل شاخص‌هایی خاص را تعیین کرده است. برای مثال اصل عدم تبعیض، برخی اقدامات سالب حق رأی را غیرموجه می‌نماید؛ ضمن آنکه تعیین حوزه‌های انتخاباتی، و وزن و اعتبار نسبی قدرت رأی دادن در پرتو اصول تکمیلی نمایندگی مردم و حق رأی برابر، مقید و ساختارگرا شده است.^{۱۹}

بر همین اساس جامعه بین‌المللی در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بر آن شده تا برای تضمین تجلّی اراده آزاد و واقعی مردم بیش از پیش اهتمام ورزد.^{۲۰} در این راستا شورای امنیت سازمان ملل متحد سال‌هاست که خود را با انتخابات داخلی کشورها درگیر کرده و میان دموکراسی، حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی پیوند برقرار ساخته است. شورای امنیت در بند ۵ قطعنامه ۱۵۵۹ پشتیبانی خود را از روند انتخاباتی آزاد و منصفانه در انتخابات ریاست جمهوری لبنان طبق قانون اساسی این کشور و بدون مداخله یا نفوذ خارجی‌ان اعلام می‌دارد. عدم انطباق سیاست‌های «امیل لحود» رئیس جمهوری وقت لبنان با منافع برخی از اعضای دائم شورای امنیت و به ویژه امریکا، این کشور را بر آن داشت تا با درج چنین بندی در قطعنامه مانع از تمدید دوران ریاست جمهوری لبنان برای سه سال دیگر شود. با وجود اینکه پیام بند ۵ قطعنامه کاملاً روشن و صریح است، با این حال با اصلاح قانون اساسی امکان ابقای «امیل لحود» در سمت ریاست جمهوری لبنان تا ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ فراهم شد.

شورای امنیت با گنجاندن بند ۵ در قسمت اجرائی قطعنامه ۱۵۵۹ و با تصریح به

^{۱۹} پروفیسور گای اس. گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه دکتر سید جمال سیفی و دکتر سیدقاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۷۹، صص ۱۳۸-۱۳۷.

^{۲۰} B.R. Roth, *Governmental Illegitimacy in International Law*, Oxford, Clarendon Press, 1999, p. 413.

انتخابات آتی ریاست جمهوری در آن کشور نشان داد که تا چه میزان نسبت به جریان سیاسی در یک کشور حساس می‌باشد. گو اینکه امروزه شاهد تلاش برای بین‌المللی شدن تضمینات حقوق داخلی در عرصه انتخابات ملی هستیم و ملل متحد حق دارد که در راه استقرار دموکراسی در هر جای جهان بکوشد اما تردیدی نیست که استناد به اصول و قواعد حقوقی در جهت نیل به اغراض سیاسی، اعتماد بین‌المللی به سازمان ملل متحد را کاهش خواهد داد.

نتیجه

قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت که با ۶ رأی ممتنع الجزایر، برزیل، چین، پاکستان، فیلیپین و فدراسیون روسیه به تصویب رسید اگرچه ظاهراً در قالب فصل ششم منشور سازمان ملل متحد و به عنوان توصیه‌نامه صادر شده است ولی به لحاظ محتوا قابل تأمل به نظر می‌رسد.^{۲۱}

شورای امنیت با انگشت نهادن بر ضعف اقتدار داخلی و بین‌المللی دولت لبنان، با درخواست خروج نیروهای خارجی از این کشور عملاً جایگزین آن دولت شده و بر حاکمیت آن وقعی ننهاده است. بسیار محتمل به نظر می‌رسد که شورای امنیت در گام‌های بعدی با استناد به فصل هفتم منشور به کلیه نیروهای نظامی خارجی دستور دهد که از این کشور خارج شوند و دولت لبنان را نیز ملزم نماید که خروج نیروهای بیگانه را تضمین کند. علاوه بر این شورای امنیت در بندهای ۳ و ۵ قطعنامه زیرکانه میان خلع سلاح تمام گروه‌های نظامی لبنانی و غیرلبنانی، و برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه در لبنان پیوند برقرار ساخته است.^{۲۲}

قطعنامه ۱۵۵۹ از یک سو بر وصف داخلی حاکمیت، یعنی مشروعیت

^{۲۱} شورای امنیت با ابتدای ظاهری قطعنامه‌های خود بر فصل ششم منشور، علاوه بر اینکه در حوزه‌ای فراتر از تهدید صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزکارانه گام برمی‌دارد بلکه تا حد زیادی مانع برانگیختن حساسیت‌های دولت‌های عضو سازمان و به ویژه دولت‌های در حال توسعه می‌شود.

^{۲۲} در مورد هائیتی که شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۹۴۰ (مصوب سال ۱۹۹۴) جهت اعاده دموکراسی، اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور را به دولت‌های عضو واگذار نمود دولت‌های ذی‌ربط به این نتیجه رسیدند که خلع سلاح اقدامی ضروری جهت استقرار دموکراسی می‌باشد. نک: Danesh Sarooshi, *The United Nations and the Development of Collective Security*, Oxford, 1999, p. 244.

دموکراتیک حکومت تأکید نهاده است، و از سوی دیگر هشدار می‌دهد که اگر دولتی در اعمال حاکمیت مؤثر نسبت به کل قلمرو خود به هر علتی مسامحه روا دارد و یا از این امر ناتوان باشد شورای امنیت به نمایندگی از سوی جامعه جهانی جایگزین آن حاکمیت ملی شده و مانند یک حکمران بین‌المللی به اعمال حاکمیت می‌پردازد.

این قطعنامه در بند آخر از دبیرکل سازمان ملل درخواست می‌کند که ظرف مدت ۳۰ روز در مورد اجرای قطعنامه به شورای امنیت گزارش دهد.^{۲۳} و از تمام طرف‌های ذی‌ربط درخواست می‌کند که به طور کامل و فوراً با شورای امنیت جهت اجرای کامل این قطعنامه و سایر قطعنامه‌های شورا همکاری نمایند. آغاز عقب‌نشینی بخشی از نیروهای سوری از لبنان در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ نشان داد که چگونه امریکا موفق شده است مسائل سیاست خارجی خود (امنیت اسرائیل)^{۲۴} را به دغدغه شورای امنیت مبدل ساخته و شورا را در این مسیر با خود همگام سازد.

این مسیری است که در آن شورای امنیت با اتکاء به دکترین نامحدود بودن صلاحیت خود^{۲۵} و در قالب حفظ و اعاده صلح و امنیت جهانی، به راحتی بند ۷ ماده ۲ منشور را درمی‌نوردد.^{۲۶} این امر مبین چالشی است که میان اصل «لزوم کارایی عملی شورا» و «مشروعیت اقدامات آن» وجود دارد. تا زمانی که شورا خود مفسر

^{۲۳} دبیرکل طی گزارش مورخ اول اکتبر ۲۰۰۴ راجع به قطعنامه ۱۵۵۹، به شورای امنیت اعلام داشت که هرچند دولت‌های سوریه و لبنان در مورد اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ به وی اطمینان داده‌اند ولی تاکنون این قطعنامه اجرا نشده است (بندهای ۳۳ و ۳۶ گزارش دبیرکل).

^{۲۴} بی‌شک میان رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر عدم مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (رأی مورخ ۹ ژوئیه ۲۰۰۴) که به درخواست مجمع عمومی صادر شد و قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت، اگر نه رابطه‌ای حقوقی، ولی ارتباط سیاسی انکارناپذیری وجود دارد.

^{۲۵} برای مطالعه بیشتر نک: محمد شریف، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

^{۲۶} قلمرو صلاحیت داخلی مهمترین محدودیت کلی ماهوی فعالیت‌های شورای امنیت است که هر روز دایره آن تنگ‌تر می‌شود. بر اساس بند ۷ ماده ۲ منشور هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که اساساً در قلمرو صلاحیت داخلی کشورها قرار دارد دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین مسائلی را برای حل و فصل تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

برای مطالعه بیشتر نک:

Benedetto Conforti, *The Law and Practice of the United Nations*, Kluwer Law International, 2000, pp. 125-151.

مقررات منشور در مورد اختیارات خویش باشد این افراط و تفریط‌ها^{۲۷} ادامه خواهد داشت^{۲۸} و عدم اعتراض مؤثر کشورها به اقدامات شورا،^{۲۹} به تدریج مشروعیت حقوقی آن اقدامات را تثبیت می‌نماید.

^{۲۷} طی سال‌ها بریتانیا موضوع ایرلند شمالی، و روسیه بحران چین را اموری داخلی قلمداد نموده، و کمتر کسی نظارت سازمان ملل متحد بر انتخابات ریاست جمهوری امریکا به ویژه در ایالت فلوریدا را مطرح کرده است.

²⁸ Susan Lamb, "Legal Limits to United Nations Security Council Powers", in Guy S. Goodwin-Gill & Stefan Talmon, *The Reality of International Law, Essays in Honour of Ian Brownlie*, Oxford, 1999, pp. 387-388.

^{۲۹} برای مطالعه بیشتر نک:

Nicolas Angelet, "Protest against Security Council Decisions", in Karel Wellens (ed.), *International Law: Theory and Practice, Essays in Honour of Eric Suy*, Martinus Nijhoff, 1998, pp. 277-287.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study